



Designing and validating a model for recreating the government administrative system with the approach of the second step of the Islamic Revolution: A mixed exploratory study based on data-based theory and structural equation modeling in government departments of Isfahan province

Meysam Rafiei¹, Saeed Aghasi^{*1}, Zahra Dashtlaali¹

1- Department of management, Deh.C, Islamic Azad University, Isfahan,Iran.

Abstract

Background and Aim: The public administrative system, as the executive arm of government in achieving overarching development goals, plays a pivotal role. However, persistent administrative corruption, inefficient bureaucracy, and the gap between the performance of executive agencies and the demands articulated in the Second-Step Statement of the Islamic Revolution have intensified the need to reconstruct this system. This study aims to design and validate an indigenous model for reconstructing the state administrative system based on the Second-Step approach among managers and employees of government offices in Isfahan Province, Iran.

Methodology: An exploratory mixed-methods (qualitative-quantitative) design was employed. In the qualitative phase, grounded theory and semi-structured interviews with 23 academic and executive experts (purposive criterion-based and snowball sampling) were used to develop a paradigmatic model, which was subsequently validated by 16 of the interviewees. In the quantitative phase, a researcher-made 78-item questionnaire was administered to a sample of 297 employees drawn from a population of 1,300 government employees in Isfahan Province (Cochran's formula and stratified random sampling), and the data were analyzed via first- and second-order confirmatory factor analysis in Smart-PLS, along with descriptive-inferential statistics (one-sample t-test, independent-samples t-test, one-way ANOVA, and Scheffé post-hoc test) in SPSS.

Findings: The resulting model comprises five dimensions and sixteen components: causal conditions (managerial factors, ethical factors, organizational learning), contextual conditions (governmental infrastructure, religion-oriented social factors, economic considerations, jihadi management, macro-societal level), intervening conditions (cultural factors, administrative factor, human-resource factor), strategies (financial-economic, legislative, legal), and consequences (administrative system reconstruction, realization of the Second-Step approach). Second-order CFA results indicated that all five dimensions loaded significantly ($p < .01$) on the overall model, with loadings ranging from 0.505 to 0.638, while composite reliability, Cronbach's alpha, and AVE for all constructs exceeded the acceptable thresholds (> 0.70 and > 0.50 , respectively), confirming the model's satisfactory reliability and validity. One-sample t-tests further showed that the current status of all five dimensions, from employees' perspectives, was significantly above the hypothesized mean (3) and rated as favorable.

Conclusion: By integrating New Public Management components (good governance, transparency, accountability, e-government) with indigenous Islamic values—particularly jihadi management and administrative justice—the proposed model offers a practical and implementable framework for policymakers, decision-makers, and managers of government offices in designing and monitoring administrative-reconstruction programs aligned with the goals of the Second Step of the Revolution.

Keywords: Administrative System Reconstruction; Second Step of the Islamic Revolution; Jihadi Management; Grounded Theory; Structural

Citation:

Rafiei, M., Aghasi, S. and Dashtlaali, Z. (2025). Designing and Validating a Model for Reconstructing the State Administrative System Based on the Second-Step Statement of the Islamic Revolution: An Exploratory Mixed-Methods Study Using Grounded Theory and Structural Equation Modeling in Government. *Journal of Intelligent Marketing Management*, 6(4), 475-488.



طراحی و اعتباریابی الگوی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب اسلامی: مطالعه‌ای آمیخته
اکتشافی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و مدل‌سازی معادلات ساختاری در ادارات دولتی استان اصفهان
میثم رفیعی^۱، سعید آقاسی^{۱*}، زهرا دشت لعلی^۱

۱- گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نظام اداری به‌عنوان بازوی اجرایی دولت در تحقق اهداف کلان توسعه نقشی محوری ایفا می‌کند؛ با این حال، تداوم فساد اداری، بوروکراسی ناکارآمد و فاصله میان عملکرد دستگاه‌های اجرایی با مطالبات سند بالادستی «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، ضرورت بازآفرینی این نظام را دوچندان کرده است. پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی الگویی بومی برای بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) اجرا شد. در بخش کیفی، با تکیه بر نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۳ نفر از خبرگان دانشگاهی و روش‌شناسی: این پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) اجرا شد. در بخش کمی، پرسش‌نامه‌ای (نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌محور و گلوله‌برفی)، الگوی پارادایمی پژوهش طراحی و سپس توسط ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان اعتباریابی شد. در بخش کمی، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته با ۷۸ گویه میان نمونه‌های ۲۹۷ نفری از جامعه ۱,۳۰۰ نفری کارکنان ادارات دولتی استان اصفهان (با بهره‌گیری از فرمول کوکران و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای) توزیع شد و داده‌ها با تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم در نرم‌افزار Smart-PLS و آزمون‌های آماری توصیفی-استنباطی t تک‌نمونه‌ای، t دو نمونه مستقل، تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون تعقیبی شفه در نرم‌افزار (SPSS) تحلیل گردید.

یافته‌ها: الگوی به‌دست‌آمده در پنج بُعد و شانزده مؤلفه دسته‌بندی شد: شرایط علی (عوامل مدیریتی، عوامل اخلاقی، یادگیری سازمانی)، شرایط زمینه‌ای (زیرساخت‌های حکومتی، عوامل اجتماعی دین‌محور، توجه به اقتصاد، مدیریت جهادی، سطح کلان جامعه)، شرایط مداخله‌گر (عوامل فرهنگی، عامل اداری، عامل منابع انسانی)، راهبردها (مالی-اقتصادی، قانون‌گذاری، حقوقی) و پیامدها (بازآفرینی نظام اداری دولت، تحقق رویکرد گام دوم انقلاب). نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان داد بار عاملی هر پنج بُعد بر سازه کلی الگو در سطح ۰,۰۱ معنادار و در دامنه ۰,۵۰۵ تا ۰,۶۳۸ قرار دارد و شاخص‌های پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای تمامی سازه‌ها به ترتیب از آستانه‌های ۰,۷۰ و ۰,۵۰ فراتر رفت که حاکی از روایی و پایایی مطلوب الگو است. آزمون t تک‌نمونه‌ای نیز نشان داد وضعیت موجود تمامی ابعاد پنج‌گانه از منظر کارکنان، به‌طور معنادار بالاتر از میانگین فرضی (۳) و در سطح مطلوب ارزیابی می‌شود.

نتیجه‌گیری: الگوی پیشنهادی با تلفیق مؤلفه‌های مدیریت دولتی نوین (حکمرانی خوب، شفافیت، پاسخگویی، دولت الکترونیک) با ارزش‌های بومی-اسلامی نظیر مدیریت جهادی و عدالت اداری، چارچوبی کاربردی و قابل اجرا برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مدیران ادارات دولتی در طراحی و پایش برنامه‌های بازآفرینی نظام اداری در راستای تحقق اهداف گام دوم انقلاب فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی نظام اداری؛ گام دوم انقلاب اسلامی؛ مدیریت جهادی؛ نظریه داده‌بنیاد؛ مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ حکمرانی خوب

استناد:

رفیعی، میثم و آقاسی، سعید و دشت لعلی، زهرا. (۱۴۰۴). طراحی و اعتباریابی الگوی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب اسلامی: مطالعه‌ای آمیخته اکتشافی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و مدل‌سازی معادلات ساختاری در ادارات دولتی استان اصفهان. مدیریت بازاریابی هوشمند، ۶(۴)، ۴۷۵-۴۸۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

https://doi.org/ JABM.3.2.15564.3512211203

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۴، دوره ۶، شماره ۴، پیاپی ۳۰

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



۱- مقدمه

نظام اداری در هر کشور، بازوی اجرایی دولت و واسطه اصلی میان حاکمیت و شهروندان به‌شمار می‌رود و کیفیت عملکرد آن مستقیماً بر سطح رفاه عمومی، اعتماد اجتماعی و مشروعیت سیاسی نظام حکمرانی اثر می‌گذارد. در دهه‌های اخیر، رویکرد مدیریت دولتی نوین (New Public Management) با تأکید بر کاهش تصدی‌گری دولت، مدیریت عملکرد نتیجه‌گرا، خصوصی‌سازی و ارتقای فرهنگ کارآفرینی، به‌الگوی غالب اصلاحات اداری در بسیاری از کشورها تبدیل شده است. با این حال، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی همچنان از تداوم فساد اداری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حکایت دارند؛ برای نمونه، بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۲۰۲۳، ایران از میان ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۴۹ شاخص ادراک فساد قرار گرفته است، رتبه‌ای که ضرورت بازنگری بنیادین در ساختار و فرهنگ نظام اداری کشور را به‌خوبی نمایان می‌سازد.

در چنین فضایی، صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری در بهمن‌ماه ۱۳۹۷، به‌عنوان نقشه راه «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی»، افق جدیدی برای بازنگری در نظام‌های اجرایی کشور از جمله نظام اداری ترسیم کرد. در این بیانیه، مفاهیمی نظیر مبارزه با فساد، عدالت اداری، استقلال و عزت ملی، مدیریت جهادی، و توجه به معیشت و رفاه عمومی، به‌مثابه ارکان اصلی حرکت تمدنی جمهوری اسلامی معرفی شده‌اند. تحقق این آرمان‌ها در عمل، نیازمند بازآفرینی (Reinvention) نظام اداری دولت بر اساس الگویی است که از یک سو با یافته‌های علمی حوزه مدیریت دولتی همخوانی داشته باشد و از سوی دیگر، بر بستر فرهنگی، دینی و انقلابی جامعه ایران استوار باشد؛ الگویی که صرفاً وارداتی نباشد، بلکه از دل تجربه و ادراک کارگزاران و خبرگان داخلی استخراج شده باشد.

با وجود گستردگی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه اصلاحات اداری، مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب و دولت الکترونیک، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که الگویی جامع، یکپارچه و اعتباریابی شده که هم‌زمان ابعاد علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدهای بازآفرینی نظام اداری را در پرتو رویکرد گام دوم انقلاب با یکدیگر تلفیق کرده باشد، طراحی و آزمون نشده است. به‌ویژه، مفهوم «مدیریت جهادی» که برآمده از تجربه چهاردهه دفاع مقدس و سازندگی و در آثار رهبری انقلاب بازتاب گسترده‌ای دارد، تاکنون در قالب یک سازه اندازه‌گیری شده و در کنار سایر متغیرهای سازمانی، وارد یک مدل ساختاری جامع نشده است. این خلاء دانشی، شکاف پژوهشی اصلی این مطالعه را شکل می‌دهد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی آمیخته اکتشافی، در گام نخست به شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط میان آن‌ها از طریق مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و اجرایی حوزه مدیریت دولتی (نظریه داده‌بنیاد) می‌پردازد و در گام دوم، الگوی استخراج شده را از طریق پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته در نمونه‌ای از مدیران و کارکنان ادارات دولتی استان اصفهان آزمون و اعتباریابی می‌کند. پرسش اصلی پژوهش این است که الگوی مناسب برای بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب، متشکل از چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است و این الگو از منظر روایی، پایایی و برازش، تا چه میزان معتبر و قابل تعمیم به جامعه مورد مطالعه است؟ یافته‌های این پژوهش می‌تواند هم به غنای ادبیات نظری حوزه اصلاحات اداری بومی کمک کند و هم چارچوبی عملیاتی برای سیاست‌گذاران، مدیران ارشد و برنامه‌ریزان دستگاه‌های اجرایی فراهم آورد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- نظام اداری، بازآفرینی دولت و مدیریت دولتی نوین

بازآفرینی دولت (Government Reinvention) به معنای بازطراحی بنیادین فرایندها، ساختارها و فرهنگ سازمانی دستگاه‌های دولتی به منظور افزایش کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و کیفیت خدمات عمومی است. ریشه‌های نظری این رویکرد به جریان مدیریت دولتی نوین بازمی‌گردد که از دهه ۱۹۸۰ با محوریت کاهش تصدی‌گری دولت، مدیریت مبتنی بر عملکرد، تمرکز بر نتیجه به جای فرایند، و بهره‌گیری از مکانیزم‌های بازار در ارائه خدمات عمومی شکل گرفت. منتقدان این رویکرد بر آن‌اند که نسخه‌های یکسان مدیریت دولتی نوین بدون توجه به زمینه فرهنگی، سیاسی و ارزشی هر کشور، اثربخشی محدودی دارد و ضرورت دارد اصلاحات اداری با بافت نهادی و فرهنگی هر جامعه تطبیق یابد.

در ادبیات داخلی، مفهوم فساد اداری به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع بازآفرینی نظام اداری معرفی شده است؛ فساد که از طریق هدایت نادرست منابع انسانی و مالی به سمت فعالیت‌های نادرست، کیفیت ارائه خدمات دولتی را کاهش داده و موجب کاهش اعتماد عمومی به نظام می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که اقدامات مدیریت دولتی نوین می‌تواند نقش مهمی در توسعه راهکارهای ضدفساد و بهبود کیفیت خدمات دولتی ایفا کند، هرچند که این اقدامات باید با ساختار حکمرانی و ارزش‌های بومی هر جامعه هم‌راستا شوند.

۲-۲- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و الزامات حکمرانی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به عنوان سند راهبردی تعیین‌کننده مسیر آینده جمهوری اسلامی ایران، چارچوبی هنجاری برای بازطراحی نظام‌های اجرایی کشور فراهم می‌کند. پژوهش‌های متعدد، این بیانیه را به مثابه «سند طرح‌ریزی راهبردی حرکت در مرحله دوم انقلاب» تحلیل کرده و مؤلفه‌هایی نظیر مبارزه با فساد، عدالت و مقابله با تبعیض، استقلال و عزت ملی، اقتصاد مقاومتی و دانش‌بنیان، و توجه به معیشت عمومی را از ارکان اصلی آن برشمرده‌اند. تحلیل محتوای این بیانیه نیز نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت‌بخش اسلامی-ایرانی، نظیر عدالت، خودباوری، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در کانون توجه آن قرار دارند.

در ادبیات حکمرانی خوب نیز، مفاهیمی همچون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و کارایی به عنوان شاخص‌های کلیدی ارزیابی کیفیت نظام اداری مطرح شده‌اند. مطالعات تطبیقی در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که افزایش شفافیت و پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی، نقش مستقیمی در کاهش فساد اداری و ارتقای مشارکت مردمی در فرایندهای حکمرانی دارد. در عین حال، برخی مطالعات هشدار داده‌اند که صرف معرفی ابزارهای فنی مانند دولت الکترونیک، بدون اصلاح نهادی و فرهنگی همزمان، نمی‌تواند فساد ساختاری را کاهش دهد؛ از این رو، رویکردهای بومی و فرهنگ‌محور در کنار ابزارهای فنی حکمرانی، اهمیت می‌یابند.

۲-۳- مدیریت جهادی به عنوان رویکردی بومی-اسلامی

مدیریت جهادی، به عنوان الگوی مدیریتی برآمده از بطن انقلاب اسلامی و تجربه دوران دفاع مقدس و سازندگی، بر مؤلفه‌هایی نظیر اخلاص، ایثار، خودباوری، ساده‌زیستی مدیران، حضور در میدان عمل، و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود با حداقل تشریفات اداری تأکید دارد. پژوهش‌های اخیر، مؤلفه‌های مدیریت جهادی را با تکیه بر سیره مدیریتی فرماندهان دوران دفاع مقدس و شخصیت‌های الهام‌بخش انقلاب تبیین کرده و آن را الگویی برای ارتقای بهره‌وری، پاسخگویی و انگیزش نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی معرفی کرده‌اند. در عین حال، این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که برای بهره‌برداری پایدار از این الگو، لازم است مؤلفه‌های آن در قالب چارچوب‌های مدیریتی قابل‌سنجش (نظیر مدل‌های معادلات ساختاری) صورت‌بندی و در کنار سایر متغیرهای سازمانی آزموده شود.

۲-۴- پیشینه تجربی و شکاف پژوهشی

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات داخلی غالباً به صورت مجزا به یکی از ابعاد موضوع—نظیر تحلیل محتوای بیانیه گام دوم، یا طراحی الگوی تعالی سازمانی با رویکرد اسلامی، یا تبیین مدیریت جهادی—پرداخته‌اند، بدون آنکه این ابعاد در یک الگوی یکپارچه و آزمون شده ادغام شوند. در سطح بین‌المللی نیز، مطالعات حوزه حکمرانی، شفافیت، پاسخگویی و دولت هوشمند، عمدتاً بر بسترهای غربی یا کشورهای آسیای جنوب شرقی متمرکز بوده‌اند و چارچوبی که هم‌زمان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای بازآفرینی نظام اداری را در بستر فرهنگی-انقلابی ایران لحاظ کند، در دسترس نیست. این شکاف، توجه نظری اصلی پژوهش حاضر است: ارائه الگویی که با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته اکتشافی، یافته‌های کیفی برآمده از تجربه خبرگان داخلی را با آزمون کمی دقیق در قالب مدل‌سازی معادلات ساختاری تلفیق کند.

بر مبنای این پیشینه، می‌توان گفت الگوی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب باید دست کم پنج دسته شرایط را در برگیرد: شرایط علی (عواملی که زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده اصلی هستند)، شرایط زمینه‌ای (بستر کلان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی)، شرایط مداخله‌گر (عواملی که روابط علی-معلولی را تشدید یا تضعیف می‌کنند)، راهبردها (اقدامات و سیاست‌های عملیاتی) و پیامدها (نتایج نهایی مورد انتظار). این چارچوب پارادایمی، مبنای طراحی بخش کیفی پژوهش حاضر قرار گرفته است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر رویکرد، آمیخته اکتشافی (Exploratory Sequential Mixed Methods) است که در دو مرحله متوالی کیفی و کمی اجرا شده است. در مرحله کیفی، با استفاده از راهبرد نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory) و فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط میان آن‌ها شناسایی و در قالب الگوی پارادایمی (شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) صورت‌بندی شد. جامعه مشارکت‌کنندگان این بخش را خبرگان دانشگاهی و اجرایی حوزه مدیریت دولتی تشکیل دادند که با روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌محور و راهبرد گلوله‌برفی انتخاب شدند. معیارهای انتخاب خبرگان شامل سابقه پژوهشی و اجرایی مرتبط با موضوع پژوهش بود. در مجموع با ۲۳ نفر از خبرگان مصاحبه صورت گرفت تا اشیاع نظری حاصل شود؛ داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز و محوری و روش تحلیل مضمون (تماتیک) تحلیل شدند. برای افزایش روایی یافته‌های کیفی، از راهبردهای چندسویه‌نگری منابع داده (تلفیق دیدگاه اعضای هیأت علمی و خبرگان اجرایی)، بازیابی توسط مشارکت‌کنندگان (Member Checking) و بازخورد اساتید راهنما و مشاور استفاده شد؛ بر این اساس، الگوی اکتشافی اولیه برای ۲۳ نفر ارسال و توسط ۱۶ نفر تأیید گردید.

در مرحله کمی، با هدف اعتباریابی الگوی استخراج شده از بخش کیفی، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته بر مبنای پنج بُعد و شانزده مؤلفه شناسایی شده (در مجموع ۷۸ گویه با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت) طراحی شد. جامعه آماری این بخش شامل کلیه مدیران و کارکنان ادارات دولتی استان اصفهان (۱۴۰۱-۱۴۰۴) به تعداد تقریبی ۱,۳۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه محدود و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Z=1,96$)، خطای مجاز ۵ درصد ($=0,05$) و نسبت محافظه‌کارانه $p=0,5$ ، برابر با ۲۹۷ نفر محاسبه شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای از میان ردیف‌های شغلی مختلف (مدیران ارشد و ستادی، کارکنان اداری و پشتیبانی، کارشناسان اداری-مالی-برنامه‌ریزی، و کارکنان فنی و تخصصی فاوا) انجام شد. از ۳۱۰ پرسش‌نامه توزیع شده، ۲۹۷ پرسش‌نامه فاقد نقص جهت تحلیل نهایی وارد نرم‌افزار SPSS و Smart-PLS شدند (نرخ پاسخ‌دهی ۹۳ درصد).

روایی محتوایی پرسش‌نامه با اخذ نظر اساتید راهنما، مشاور و دو متخصص دیگر تأیید شد. روایی سازه (همگرا و واگرا) و پایایی (آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) از طریق تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) در نرم‌افزار Smart-PLS بررسی شد. روایی همگرا با شاخص میانگین واریانس استخراج شده ($> 0.5 AVE$)، و روایی واگرا با دو معیار بار عرضی و شاخص فورنل-لارکر سنجیده شد. برای تحلیل داده‌های توصیفی و استنباطی، از جدول فراوانی، شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی، آزمون t تک‌نمونه‌ای (برای سنجش وضعیت موجود هر بُعد نسبت به میانگین فرضی ۳)، آزمون t برای دو گروه مستقل (مقایسه جنسیتی)، تحلیل واریانس یک‌راهه (مقایسه بر اساس سابقه خدمت) و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

جدول ۱: ابعاد و مؤلفه‌های الگوی پارادایمی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب

تعداد گویه	مؤلفه‌ها	بُعد (شرایط)
۴	عوامل مدیریتی	شرایط علی
۴	عوامل اخلاقی	
۶	یادگیری سازمانی	
۵	زیرساخت‌های حکومتی	شرایط زمینه‌ای
۵	عوامل اجتماعی (دین محور)	
۶	توجه به اقتصاد	
۶	مدیریت جهادی	
۳	سطح کلان جامعه	
۴	عوامل فرهنگی	شرایط مداخله‌گر
۳	عامل اداری	
۷	عامل منابع انسانی	
۴	مالی و اقتصادی	راهبردها
۴	عوامل قانون‌گذاری	
۵	عامل حقوقی	
۷	بازآفرینی نظام اداری دولت	پیامدها
۴	رویکرد گام دوم انقلاب	شرایط علی

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های بخش کیفی: الگوی پارادایمی پژوهش

تحلیل مضمونی مصاحبه‌های انجام‌شده با ۲۳ خبره دانشگاهی و اجرایی، به استخراج پنج دسته شرایط و شانزده مؤلفه منتهی شد که در جدول ۱ ارائه شده است. شرایط علی- یعنی عواملی که زمینه‌ساز شکل‌گیری فرایند بازآفرینی نظام اداری هستند- شامل عوامل مدیریتی، عوامل اخلاقی و یادگیری سازمانی است. شرایط زمینه‌ای، که بستر کلان اجرای الگو را تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از زیرساخت‌های حکومتی، عوامل اجتماعی دین‌محور، توجه به اقتصاد، مدیریت جهادی و سطح کلان جامعه. شرایط مداخله‌گر که می‌توانند روابط علی- معلولی را تقویت یا تضعیف کنند شامل عوامل فرهنگی، عامل اداری و عامل منابع انسانی است. راهبردها به سه دسته اقدامات مالی- اقتصادی، قانون‌گذاری و حقوقی تقسیم شده‌اند و پیامدهای نهایی الگو نیز در دو محور بازآفرینی نظام اداری دولت و تحقق رویکرد گام دوم انقلاب صورت‌بندی شده‌اند. شکل ۱، آرایش این ابعاد در قالب الگوی پارادایمی استراوس و کوربین را نشان می‌دهد.

شکل ۱: الگوی پارادایمی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب (برگرفته از تحلیل داده‌بنیاد)

شرایط علی	شرایط علی
عوامل مدیریتی، عوامل اخلاقی، یادگیری سازمانی	
زیرساخت‌های حکومتی، عوامل اجتماعی دین‌محور، توجه به اقتصاد، مدیریت جهادی، سطح کلان جامعه	شرایط مداخله‌گر
	زیرساخت‌های حکومتی، عوامل اجتماعی دین‌محور، توجه به اقتصاد، مدیریت جهادی، سطح کلان جامعه

در گام اعتباریابی الگوی اکتشافی، پرسش‌نامه‌ای از ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده برای ۲۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان ارسال شد که ۱۶ نفر پاسخ دادند. میانگین تأیید برای تمامی ابعاد بالاتر از میانگین فرضی ۳ بود (دامنه میانگین‌ها از ۳,۱۰ تا ۴,۵۵)، که نشان‌دهنده توافق بالای خبرگان با چارچوب پیشنهادی است.

۴-۲- یافته‌های توصیفی نمونه آماری

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از مجموع ۲۹۷ پاسخ‌گو، ۷۴ درصد مرد و ۲۶ درصد زن بودند. بیشترین فراوانی سنی (۳۸ درصد) به گروه ۴۱ تا ۵۰ سال و کمترین (۸ درصد) به گروه بالاتر از ۵۰ سال تعلق داشت. از نظر تحصیلات، ۸۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد یا پایین‌تر و ۱۴ درصد دارای مدرک دکتری بودند. میانگین سابقه خدمت پاسخ‌گویان ۱۹/۹۸ سال (انحراف معیار ۵/۷۸) بود و بیشترین فراوانی (۵۰ درصد) به افراد با سابقه ۲۰ تا ۳۰ سال تعلق داشت که نشان‌دهنده تجربه و آشنایی بالای نمونه با فرایندهای اداری مورد بررسی است.

۳-۴- روایی و پایایی الگوی اندازه‌گیری

نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای هر یک از ابعاد پنج‌گانه نشان داد که اکثر گویه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰,۴، بر متغیر مکنون مربوط به خود بودند و مقدار آماره t متناظر با هر بار عاملی، از مقادیر بحرانی ۱,۹۶ (سطح ۰,۰۵) و ۲,۵۸ (سطح ۰,۰۱) بزرگ‌تر بود؛ بنابراین تمامی نشانگرها در تحلیل نهایی حفظ شدند. جدول ۳ شاخص‌های پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و AVE را برای پنج بُعد اصلی الگو نشان می‌دهد. مقادیر پایایی ترکیبی (۰,۷۲۰ تا ۰,۹۲۵) و آلفای کرونباخ (۰,۷۵۰ تا ۰,۸۵۸) برای تمامی سازه‌ها بالاتر از آستانه قابل قبول ۰,۷۰ قرار دارد که حاکی از همسانی درونی مطلوب گویه‌های هر سازه است. همچنین مقادیر AVE برای همه ابعاد بالاتر از ۰,۵۰ است (۰,۵۲۱ تا ۰,۸۶۰) که روایی همگرایی مطلوب الگوی اندازه‌گیری را تأیید می‌کند.

برای بررسی روایی واگرا، شاخص بار عرضی و آزمون فورنل-لارکر به کار رفت. نتایج نشان داد که هر متغیر مشاهده‌پذیر، بیشترین بار عاملی را روی سازه مرتبط با خود دارد (بارهای عرضی پایین‌تر بر سایر سازه‌ها) و جذر AVE هر سازه، از بیشینه همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های مکنون بزرگ‌تر است (به‌عنوان نمونه، جذر AVE بُعد «پیامدها» برابر با ۰,۹۲۷ و بالاترین همبستگی آن با سایر ابعاد ۰,۸۰۷ بود). این یافته‌ها در مجموع، روایی تشخیصی مطلوب الگوی اندازه‌گیری را تأیید می‌کنند. شاخص اشتراک (روایی متقاطع) نیز برای تمامی سازه‌ها مقادیر مثبت و بالا (۰,۷۳۷ تا ۰,۸۶۰) را نشان داد که کیفیت پیش‌بینی مدل اندازه‌گیری را تأیید می‌نماید.

۴-۴- تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم و برازش الگوی کلی

از آنجا که هر یک از ابعاد پنج‌گانه (شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) به‌نوبه خود می‌توانند به‌عنوان نشانگر یک سازه مرتبه بالاتر—یعنی الگوی کلی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب—عمل کنند، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم اجرا شد. جدول ۴ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد. بار عاملی هر پنج بُعد بر سازه مرتبه دوم، در دامنه ۰,۵۰۵ (شرایط علی) تا ۰,۶۳۸ (راهبردها) و در سطح ۰,۰۱ معنادار بود (تمامی مقادیر t بزرگ‌تر از ۲,۵۸). ضرایب تعیین (R^2) برای ابعاد مختلف بین ۰,۲۵۵ تا ۰,۴۰۸ به‌دست آمد که بر اساس معیارهای رایج (۰,۱۹، ۰,۳۳ و ۰,۶۷ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی)، در محدوده متوسط رو به قوی ارزیابی می‌شود؛ بالاترین سهم تبیین مربوط به بُعد «راهبردها» (۰,۴۰۸) و کمترین آن مربوط به «شرایط علی» (۰,۲۵۵) است. این نتایج نشان می‌دهد که تمامی پنج بُعد، به‌طور معنادار در تبیین سازه کلی الگو سهم‌مند و الگوی پیشنهادی از کفایت لازم برای پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق متغیرهای مکنون متناظر برخوردار است.

۴-۵- وضعیت موجود ابعاد الگو در ادارات دولتی استان اصفهان

به‌منظور بررسی وضعیت موجود هر یک از ابعاد پنج‌گانه از منظر کارکنان، آزمون t تک‌نمونه‌ای با میانگین فرضی ۳ (نقطه میانی طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای) اجرا شد. جدول ۵ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد. میانگین محاسبه‌شده برای هر پنج بُعد (۴,۱۲ تا ۴,۴۰) به‌طور معنادار (سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۱) بالاتر از میانگین فرضی ۳ بود؛ به‌عبارت دیگر، از منظر پاسخ‌گویان، وضعیت موجود شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در ادارات دولتی استان اصفهان در سطح نسبتاً مطلوبی ارزیابی می‌شود، اگرچه فاصله میانگین‌ها تا سقف طیف (۵) همچنان نشان‌دهنده ظرفیت بهبود است. در میان مؤلفه‌های بُعد علی، بالاترین میانگین به «عوامل اخلاقی» (۴,۵۰) و کمترین به «عوامل مدیریتی» (۴,۲۵) تعلق داشت. در بُعد زمینه‌ای، «سطح کلان جامعه» (۴,۳۴) بالاترین و «عوامل اجتماعی دین‌محور» (۴,۱۰) پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص دادند. در بُعد مداخله‌گر، «عامل منابع انسانی» (۴,۳۲) و در بُعد راهبردها، «عامل حقوقی» (۴,۴۲) بالاترین میانگین‌ها را داشتند. در بُعد پیامدها نیز «رویکرد گام دوم انقلاب» (۴,۳۶) از «بازآفرینی نظام اداری دولت»

(۴,۲۷) میانگین بالاتری کسب کرد. نتایج آزمون t برای مقایسه جنسیتی و تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه بر اساس سابقه خدمت نیز نشان داد تفاوت معناداری در ادراک کارکنان بر اساس این متغیرهای زمینه‌ای وجود ندارد که از پایایی و ثبات نسبی یافته‌ها در سطح جامعه آماری حکایت دارد.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری (N=۲۹۷)

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۲۰	۷۴
	زن	۷۷	۲۶
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۵۴	۱۸
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۰۶	۳۶
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۱۲	۳۸
	بالاتر از ۵۰ سال	۲۵	۸
تحصیلات	کارشناسی و کارشناسی ارشد و کمتر	۲۵۶	۸۶
	دکتری	۴۱	۱۴
سابقه خدمت	۱ تا ۱۰ سال	۳۱	۱۰
	۱۱ تا ۲۰ سال	۱۲۰	۴۰
متغیر	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۴۸	۵۰

جدول ۳: شاخص‌های پایایی و روایی همگرای ابعاد پنج‌گانه الگو

بُعد	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ	AVE
شرایط علی	۰,۸۷۸	۰,۷۹۰	۰,۷۰۶
شرایط زمینه‌ای	۰,۸۳۳	۰,۷۵۰	۰,۵۲۱
شرایط مداخله‌گر	۰,۷۲۰	۰,۸۰۰	۰,۵۳۰
راهبردها	۰,۹۱۴	۰,۸۵۸	۰,۷۸۰
پیامدها	۰,۹۲۵	۰,۸۳۷	۰,۸۶۰

جدول ۴: نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای الگوی کلی بازآفرینی نظام اداری

R ²	سطح معناداری	آماره t	بار عاملی روی سازه کلی	بُعد (سازه مرتبه اول)
۰٫۲۵۵	>۰٫۰۰۱	۶٫۷۰۴	۰٫۵۰۵	شرایط علی
۰٫۲۹۱	>۰٫۰۰۱	۷٫۰۰۴	۰٫۵۳۹	شرایط زمینه‌ای
۰٫۳۸۱	>۰٫۰۰۱	۷٫۷۲۶	۰٫۶۱۷	شرایط مداخله‌گر
۰٫۴۰۸	>۰٫۰۰۱	۹٫۳۵۵	۰٫۶۳۸	راهبردها
۰٫۳۶۴	>۰٫۰۰۱	۷٫۲۸۰	۰٫۶۰۳	پیامدها

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای وضعیت موجود ابعاد الگو (میانگین فرضی=۳)

نتیجه	آماره t (df=۲۹۶)	انحراف معیار	میانگین	بُعد
بالاتر از حد متوسط / مطلوب	۷٫۳۶۳	۰٫۶۷	۴٫۴۰	شرایط علی
بالاتر از حد متوسط / مطلوب	۸٫۲۵۶	۰٫۷۹	۴٫۲۴	شرایط زمینه‌ای
بالاتر از حد متوسط / مطلوب	۶٫۵۶۶	۰٫۸۰	۴٫۲۵	شرایط مداخله‌گر
بالاتر از حد متوسط / مطلوب	۸٫۲۸۶	۰٫۷۴	۴٫۳۱	راهبردها
بالاتر از حد متوسط / مطلوب	۷٫۳۸۳	۰٫۷۷	۴٫۱۲	پیامدها

۵- بحث

یافته‌های پژوهش حاضر، تصویری یکپارچه از الزامات بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب ارائه می‌دهد که در عین همخوانی با ادبیات بین‌المللی اصلاحات اداری و حکمرانی خوب، مؤلفه‌های بومی-اسلامی منحصربه‌فردی نیز در آن لحاظ شده است. در بُعد شرایط علی، تأکید بر عوامل اخلاقی به موازات عوامل مدیریتی و یادگیری سازمانی، با مطالعاتی همخوانی دارد که نقش اخلاق اداری و سرمایه اخلاقی را در موفقیت اصلاحات سازمانی برجسته کرده‌اند؛ این یافته نشان می‌دهد که در بستر فرهنگی ایران، اصلاح ساختاری بدون توجه هم‌زمان به ابعاد اخلاقی و معنوی کارکنان، اثربخشی محدودی خواهد داشت.

حضور «مدیریت جهادی» در کنار «زیرساخت‌های حکومتی» و «توجه به اقتصاد» در بُعد شرایط زمینه‌ای، یکی از یافته‌های نوآورانه این پژوهش است. این یافته با مطالعاتی هم‌راستا است که مؤلفه‌های مدیریت جهادی را برگرفته از سیره مدیریتی فرماندهان دفاع مقدس تبیین کرده‌اند، اما با ورود این مفهوم به یک مدل اندازه‌گیری معتبر (بار عاملی ۰,۶۰۵ و پایایی ترکیبی بالای ۰,۹۰ در سطح مؤلفه)، گامی به‌سوی عملیاتی‌سازی این مفهوم برداشته شده است. این امر می‌تواند راه را برای پژوهش‌های آینده در سنجش اثر مدیریت جهادی بر سایر متغیرهای سازمانی هموار کند. «} دیگر یافته قابل توجه، نقش برجسته «عامل منابع انسانی» در بُعد شرایط مداخله‌گر و «عامل حقوقی» در بُعد راهبردها است؛ این یافته‌ها با پژوهش‌هایی هم‌راستا است که حاکمیت قانون و توانمندسازی منابع انسانی را از مهم‌ترین پیش‌نیازهای کاهش فساد اداری و افزایش پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی دانسته‌اند. در سطح پیامدها نیز، میانگین بالاتر «رویکرد گام دوم انقلاب» نسبت به «بازآفرینی نظام اداری دولت» می‌تواند بیانگر این باشد که از منظر کارکنان، آرمان‌های کلان بیانیه گام دوم در سطح ادراکی بیشتر پذیرفته شده‌اند تا تحقق عملیاتی آن‌ها در قالب بازآفرینی نظام اداری؛ این شکاف ادراکی-عملیاتی، خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده باشد.

از منظر روش‌شناختی، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم (بارهای عاملی معنادار در دامنه ۰,۵۰۵ تا ۰,۶۳۸ و R^2 متوسط رو به قوی) نشان می‌دهد که الگوی پنج‌بعدی پیشنهادی، از انسجام درونی کافی برخوردار است و هیچ‌یک از ابعاد، نقش حاشیه‌ای در تبیین سازه کلی ندارند. این یافته با رویکردهای نظری که بازآفرینی نظام اداری را پدیده‌ای چندوجهی و سیستمی می‌دانند که نیازمند مداخله هم‌زمان در سطوح ساختاری، فرهنگی، حقوقی و راهبردی است، همخوانی دارد و از این منظر، الگوی حاضر نسبت به مطالعاتی که صرفاً به یک یا دو بُعد محدود می‌شوند، مزیت تطبیقی دارد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی بازآفرینی نظام اداری دولت با رویکرد گام دوم انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته اکتشافی، الگوی پنج‌بعدی و شانزده مؤلفه‌ای ارائه کرد که از روایی محتوایی، روایی همگرا و واگرا، و پایایی مطلوب برخوردار است و وضعیت موجود آن در ادارات دولتی استان اصفهان، از منظر کارکنان، مطلوب ارزیابی می‌شود. این الگو، با تلفیق مؤلفه‌های مدیریت دولتی نوین (حکمرانی خوب، شفافیت، پاسخگویی، تمرکززدایی) با ارزش‌های بومی-اسلامی (مدیریت جهادی، عدالت اداری، اقتصاد مقاومتی)، چارچوبی عملیاتی برای سیاست‌گذاران و مدیران دستگاه‌های اجرایی فراهم می‌کند.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

۱) تقویت حکمرانی خوب از طریق افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌های اداری، مشارکت دادن کارشناسان و شهروندان در فرایندهای تصمیم‌سازی، و تمرکز بر عدالت در توزیع منابع. ۲) تسریع دیجیتالی‌سازی و تحول اداری از طریق توسعه دولت الکترونیک، کاهش

بروکراسی زائد و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین (هوش مصنوعی، بلاک‌چین) برای بهبود فرایندهای اداری. ۳) ارتقای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیران و کارکنان از طریق ایجاد نظام‌های نظارتی مؤثر و انتشار شفاف گزارش‌های عملکردی. ۴) تقویت سازوکارهای پیشگیرانه و نظارتی مبارزه با فساد اداری و برخورد قاطع با تخلفات. ۵) اصلاح نظام استخدام و ارزیابی عملکرد بر مبنای شایسته‌سالاری و طراحی نظام‌های پاداش-تنبیه متناسب. ۶) تمرکززدایی و تفویض اختیار به سطوح استانی و محلی در چارچوب قوانین. ۷) اصلاح نظام مالی و بودجه‌ریزی با تمرکز بر بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و کاهش هزینه‌های زائد. ۸) ترویج فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی-انقلابی و تقویت روحیه مدیریت جهادی در میان کارکنان. ۹) ارتقای کیفیت خدمات عمومی و کاهش زمان انجام فرایندهای اداری به‌منظور افزایش رضایت شهروندان. ۱۰) توسعه مشارکت مردمی از طریق بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی.

از منظر نظری، این پژوهش با عملیاتی‌سازی مفهوم مدیریت جهادی در قالب یک سازه قابل‌سنجش و ادغام آن در یک مدل ساختاری جامع، گامی در راستای بومی‌سازی نظریه‌های اصلاحات اداری برداشته و چارچوبی برای پژوهش‌های آینده در حوزه مدیریت دولتی بومی فراهم کرده است.

۷- محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهای آینده

همانند هر پژوهش اجتماعی، این مطالعه نیز با محدودیت‌هایی همراه است. نخست، در بخش کیفی، تعداد مشارکت‌کنندگان (۲۳ نفر) و محدودیت‌های فرهنگی-سیاسی ممکن است برخی زوایای موضوع را پوشش نداده باشد. دوم، جامعه آماری بخش کمی به ادارات دولتی استان اصفهان محدود شده است و تعمیم نتایج به سایر استان‌ها یا سازمان‌های غیردولتی باید با احتیاط صورت گیرد. سوم، ماهیت خود گزارش‌دهی پرسش‌نامه می‌تواند با خطای تورش پاسخ همراه باشد. در نهایت، طرح پژوهش از نوع مقطعی است و روابط علی میان ابعاد در طول زمان را نمی‌توان از آن استخراج کرد.

برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود: (الف) الگوی پیشنهادی در سایر استان‌ها و در بخش‌های دولتی متفاوت (آموزشی، درمانی، انتظامی) آزمون شود تا پایایی برون‌سازمانی آن مشخص گردد؛ (ب) با طرح‌های طولی، روابط علی میان ابعاد پنج‌گانه و نیز اثر مداخله‌ای متغیرهایی مانند سن سازمانی و اندازه سازمان بررسی شود؛ (ج) نقش میانجی یا تعدیل‌گر «مدیریت جهادی» در رابطه میان شرایط زمینه‌ای و پیامدهای بازآفرینی نظام اداری به‌صورت اختصاصی آزموده شود؛ و (د) با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی نظیر تحلیل پویایی سیستم یا فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی، اولویت‌بندی راهبردهای اجرایی الگو در شرایط واقعی سازمانی صورت گیرد.

منابع:

- براتی، محمدعلی. (۱۳۹۹). طراحی نظام مسائل اقتصاد ایران مبتنی بر تحلیل تفسیری ساختاری بیانیه گام دوم. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۳(۷۵)، ۱۲۹-۱۵۲.
- بدری، علی. (۱۳۹۹). جوان‌گرایی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی قرآنی و روایی. فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، ۳۳۹-۳۶۰.
- تربابی کلاته قاضی، علی. (۱۴۰۰). بیانیه گام دوم انقلاب؛ سند طرح‌ریزی راهبردی حرکت در مرحله دوم انقلاب اسلامی. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۱۷(۲)، ۱۴۵-۱۷۲.
- ساداتی ازهری، عصمت. (۱۴۰۰). حکمرانی خوب (مفاهیم، ابعاد و ارکان) در مدیریت دولتی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- جلیلی، محمد، و نوروزی فیروز، رسول. (۱۴۰۰). بازخوانی نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی ایران معاصر (مبتنی بر تحلیل مضمونی بیانیه گام دوم انقلاب). پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹(۱۹)، ۱۲-۴۱.
- حسن‌زاده آدرگانی، اصغر. (۱۴۰۲). اثربخشی تدابیر تعاملی مدیریت رفتار سازمانی در بهبود عملکرد کارکنان در سازمان‌های دولتی ایران. گزارش پژوهشی.
- ذاکری، مختار، و شیروانی شیری، علی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب بر مبنای مؤلفه‌های هویت‌آفرینی اسلامی-ایرانی. مطالعات ملی، ۲۳(۱)، ۳۳-۵۱.
- راجی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۸). گام تمدن‌ساز (چاپ اول). قم: دفتر نشر معارف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- رکابیان، رشید، و پورحسن، ناصر. (۱۳۹۹). الزامات و راهکارهای اجرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری. مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، ۸۹-۱۰۰.
- رهنمایی، سید احمد. (۱۳۹۹). ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی. اندیشه نوین دینی، ۱۶(۶۱)، ۱۸۵-۲۰۴.
- طارمی، علی‌اکبر، زرگر، افشین، نوذری، حسینعلی، و حاجی‌مینه، رحمت. (۱۴۰۰). جایگاه بیانیه گام دوم در آینده‌نگری جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۴)، ۱۳۷-۱۵۷.
- فروتی، زهرا، و برانی، عطیه. (۱۴۰۲). علم و فناوری در چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی از منظر امام خامنه‌ای. مدیریت اسلامی، ۳۱(۲)، ۲۰۵-۲۳۷.
- مرشدزاد، علی. (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
- مطلبی، مسعود. (۱۳۹۸). فرهنگ سیاسی نخبگان و حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی دولت اصلاحات (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
- مقدری، مهدی. (۱۴۰۰). حکمرانی خوب و توسعه. تهران: نگاه معاصر.
- مهاجرنیا، محسن. (۱۴۰۲). ابعاد مدیریت جهادی از منظر قرآن و تجلی آن در بیانات امام خامنه‌ای. گزارش پژوهشی.
- نوروززاده، احد. (۱۴۰۳). طراحی و اعتبارسنجی الگویی برای مدیریت جهادی با تأکید بر سبک مدیریت شهید حاج قاسم سلیمانی. نشریه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴(۲۹).
- نیک‌نام، محمدرضا، نیک‌پور، امیر، سالاری، یاسر، و فیروزآبادی، آمنه. (۱۴۰۲). تبیین ابعاد و معرفی نقش سازمان بسیج ادارات در راستای تحقق دولت اسلامی. مدیریت اسلامی، ۳۱(۳)، ۷-۱۱۲.
- یوسفی‌راد، وحید. (۱۳۹۸). ارزشیابی عملکرد دولت و حکومت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
- Anthopoulos, L., Sirakoulis, K., & Reddick, C. G. (2022). Conceptualizing smart government: Interrelations and reciprocities with smart city. *Information Polity*, 4(33), 1-28.

- Gudarzi, G., Hosni Moghadam, S., Nowrozi, R., & Soltani, M. (2019). Designing and explaining the model of the civilizing institution, based on the content analysis of the statement of the second step of the revolution. *Islamic Management Quarterly*, 28(3), 45–77.
- Gooderzi, F. (2021). Drawing a fuzzy map of organizational excellence in the Social Security Organization with the approach of the European Quality Award. *Specialized Scientific Quarterly of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5(55), 252–269.
- Ngatikoh, S., Kumorotomo, W., & Retnandari, N. D. (2020). Transparency in government: A review on the failures of corruption prevention in Indonesia. *Annual Conference of Indonesian Association for Public Administration (IAPA 2019)*, 181–200.
- Osinubi, T. T., Ajide, F. M., & Osinubi, O. B. (2022). Governance, FDI and tourism in top 10 tourist destinations in Africa. *Transnational Corporations Review*, 14(2), 140–152.
- Poursafai, M., Tabar, H. H., Nobari, A., Amjadi, G., Poursafai, M., & Habibi, H. (2023). Modeling the structural equations of the excellence of government organizations with the Islamic approach based on the statement of the second step of the revolution. *Journal of Islamic Life Style*, 7(20).
- Robinson, T. (2023). Accountability systems in the modern state. *Governance and Society*, 18(1), 33–50.
- Sabani, A. (2020). Investigating the influence of transparency on the adoption of e-Government in Indonesia. *Journal of Science and Technology Policy Management*, 12(2), 236–255.
- Shirafken Lemso, M., & Qaderi, J. (2021). Investigating the impact of corruption control and political stability on tourism. *Urban Economics*, 4(1), 127–140.
- Smith, R. (2023). The role of public participation in governance. *Journal of Civic Engagement*, 18(2), 78–89.
- Sorensen, E., & Ansell, J. (2021). Rising to Ostrom's challenge. *Policy Design and Practice*